

## سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجران خارجی در کلانشهر اصفهان

محمد جواد زاهدی<sup>۱</sup>، ابراهیم انصاری<sup>۲</sup>، امیر ملکی<sup>۳</sup>، اکرم حمیدیان<sup>۴</sup>

### چکیده

فرآیند طرد و ادغام اجتماعی مهاجران خارجی همواره عامل مهمی در نظم اجتماعی کشور میزبان است و در صورت عدم ادغام مناسب در جامعه، این گروه‌ها به طور بالقوه تهدیدی برای نظم و امنیت خواهند بود. از این‌رو، بررسی وضعیت طرد و ادغام اجتماعی آنها و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در تدوین بهتر سیاست‌های مرتبط با مهاجران اثرگذار باشد. به این منظور، طرد و ادغام مهاجران افغان و عراقی مقیم کلانشهر اصفهان در پیوند با دسترسی به فرصت‌های اجتماعی اقتصادی و در مقایسه با ساکنان بومی این شهر سنجش و تبیین گردید. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل خانوارهای مهاجر و غیر مهاجر ساکن مناطق چهارده‌گانه شهر اصفهان است. روش تحقیق کمی- کیفی و شیوه‌ی نمونه‌گیری ترکیبی از نمونه‌گیری‌های نظری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای و هدفمند است. حجم نمونه‌ی منتخب شامل ۲۳۲ خانوار (مهاجر خارجی و بومی) است و در تحلیل آماری داده‌ها، آزمونهای تفاوت، همبستگی و معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و لیزرل به کار گرفته شد.

یافته‌های تحقیق نشان داد مهاجران دسترسی کمتری به منابع دارند و در مقایسه با بومی‌ها تبعیض و طرد اجتماعی شدیدتری دارند و نه تنها با وجود گذر زمان، تبعیض‌های اجتماعی

m\_zahedi@pnu.ac.ir

e.ansari29@yahoo.com

malekipnu@gmail.com

hamidian@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۷

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۳- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و مربی دانشگاه پیام نور اصفهان نویسنده مسئول

تاریخ وصول: ۹۴/۵/۲۱

قومی از بین نرفته بلکه مهاجران با سکونت در محله‌های محروم، طرد اجتماعی را با طرد فیزیکی تجربه کنند. با این اوصاف، لازم است دولت با حمایت‌های اقتصادی و آموزشی مهاجران، کاهش فاصله‌ی اقتصادی و اجتماعی مهاجران- غیرمهاجران و فرهنگ‌سازی در راستای پذیرش اجتماعی آنها از ایجاد بی‌نظمی‌های اجتماعی و سیاسی جلوگیری کند.

**واژگان کلیدی:** طرد اجتماعی، دسترسی به منابع، تبعیض اجتماعی، مهاجرت

### مقدمه و طرح مسأله

طرد اجتماعی و بریدن از جامعه، همواره و در هر جمعیتی، تهدیدی است که به انواع نابسامانی‌های روانی و اجتماعی منجر می‌گردد. این وضعیت، تنها خاص جوامع توسعه‌نیافته نیست بلکه حتی در جوامع توسعه یافته نیز طرد اجتماعی به مسأله‌ی سیاست‌گذاران تبدیل شده است؛ به طوری که اتحادیه‌ی اروپا بیش از ۲۰ سال است که برنامه‌هایی برای رفع طرد و تقویت ادغام اجتماعی شهروندانش اجرا می‌کند (گزارش کمیسیون اروپا ۲۰۱۰). همچنین طرد به گروه‌های خاصی منحصر نیست و ممکن است برای هر فرد یا گروهی، نه فقط به دلیل عدم امکانات توسعه‌ای بلکه به دلیل نابرابری در دسترسی به منابع اتفاق افتد؛ به این اعتبار، نابرابری و تبعیض را می‌توان مهم‌ترین علت طرد اجتماعی گروه‌ها دانست.

در کشور ایران هرچند آمار دقیقی از توزیع خدمات و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی و مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و مدنی وجود ندارد اما نمودهای طرد اجتماعی در بیشتر شهرها و کلانشهرها مشهود است به طوری که در برخی گروه‌ها مثل زنان، سالمندان اقلیت‌های قومی و مهاجرین شکل بارزتری دارند.

مهاجران همچون دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر، نابرابری‌های متقاطع و چند بخشی اجتماعی-اقتصادی را تجربه می‌کنند. به طور خاص، زمانی که مهاجران از دیگر کشورها، به کشور میزبان آمده و مشمول قوانین مهاجرتی دولت‌ها می‌گردند و یا زمانی که آنها به مناطق و شهرهای دارای فرهنگ بومی و بومی‌گرایی قوی مهاجرت می‌کنند، شدت طرد اجتماعی مهاجران افزایش می‌یابد. اینکه مهاجران چه اندازه قادر به مشارکت در زندگی

اجتماعی-اقتصادی کشور و شهر میزبان هستند، یک پدیده‌ی چند بعدی و مبهم است؛ آنچه واضح و آشکار است، این است که در صورت طرد اقتصادی، سیاسی و سرانجام طرد اجتماعی، رفتارشدن این گروه‌ها در چرخه‌های فقر و محرومیت، جرم و نابهنجاری دور از انتظار نخواهد بود.

از آنجایی که مهاجران خارجی دارای هویت فرهنگی خاص هستند، خواه به میل خویشتن مرز هویتی خود را ببندند و نخواهند در جامعه‌ی میزبان ادغام شوند و خواه از سوی جامعه‌ی میزبان پذیرفته نشوند، با احتمال زیادی، در جامعه‌ی میزبان مطرود خواهند بود. در حقیقت، عدم برهم کنش مثبت بین مهاجران و جامعه میزبان نوعی قطب‌بندی و جداسازی هویتی در جامعه پدید می‌آورد که می‌تواند پایه و اساس دیگر قطب‌بندی‌های امتیازبخش، طرد برخی گروه‌ها و تمایز گروه‌های دیگر شود؛ وضعیتی که از جمله مهم‌ترین عوامل تهدید کننده نظم و انسجام اجتماعی است و باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. سؤالاتی که اینجا مطرح می‌شود این است که:

- آیا مهاجران نسبت به غیر مهاجران دسترسی کمتری به منابع اقتصادی اجتماعی دارند؟

- آیا مهاجران نسبت به غیر مهاجران طرد اجتماعی شدیدتری را تجربه می‌کنند؟

- سازو کار عمل فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی در فرآیند طرد اجتماعی چگونه است؟

### ضرورت و هدف مطالعه

با وجود تأکید فراوان سازمان ملل متحده و کشورهای عضو، بر توسعه‌ی انسانی و ارتقای آموزش ابتدایی، برابری جنسیتی، بهداشت مادران و توانمندسازی زنان، پایداری محیط زیست، مشارکت جهانی برای توسعه، کاهش میزان مرگ و میر کودکان، ریشه کنی گرسنگی و فقر شدید و مبارزه با گسترش بیماری‌های ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها به عنوان هدف‌های هزاره سوم (گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۰)، همچنان در اقصی نقاط جهان، در همه‌ی جوامع (توسعه‌یافته، توسعه‌نیافته و در حال توسعه) نابرابری‌های

اقتصادی- اجتماعی و طرد اجتماعی در بین گروه‌های مختلف، دیده می‌شود. در واقع نابرابری و فقر یک فاجعه‌ی خاموش جهانی است (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۷۱). به گفته‌ی باترو نابرابری عاملی مؤثر و قوی در جهان مدرن متأخر است و برخی آزادی و حق انتخابی بیشتر از دیگران دارند (باترو، ۲۰۰۵: ۲۴۷-۲۴۶). نابرابری‌ها چه اجتماعی و چه اقتصادی، با وجود اینکه عامل طرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گروه‌ها هستند، کمتر در انتظار نمایان می‌شوند و در اکثر مواقع به حاشیه رانده شدن و بی‌قدرتی گروه‌ها به ویژگی‌های فردی یا فرهنگی آنان نسبت داده می‌شود، غافل از اینکه ویژگی‌های فردی انتسابی یا اکتسابی (جنسیت، سن و تحصیلات) و یا ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی (قومیت، مذهب و مبداء مهاجرتی) به خودی خود عامل رفتارهای اجتماعی بارزی نیستند بلکه جامعه با تعریف مقوله‌ها و مؤلفه‌ها، نابرابری‌های اجتماعی و در نتیجه نابرابری اقتصادی، به حاشیه رانده شدن، بی‌قدرتی و طرد اجتماعی برخی گروه‌ها را رقم می‌زند.

با این اوصاف، دیدن مسائل و آسیب‌های اجتماعی از منظر روابط اجتماعی و پیوند آن با ساختار کلان در برنامه‌ی پژوهشی<sup>۱</sup> طرد اجتماعی می‌تواند راه‌گشا باشد. در برنامه‌ی پژوهشی طرد اجتماعی، ارزش افراد نه فقط مصرف کالا و خدمات، بلکه چیزهایی است که نمی‌تواند مصرف شود؛ فعالیت‌ها و توانایی‌هایی که شأن انسانی و عزت نفس را تقویت می‌کند. ادغام اجتماعی به عنوان پروسه‌ای برای حذف موانع افراد و گروه‌ها و تحقق بخشیدن قابلیت‌هایشان، مهم است، زیرا ناظر به فراگرد توسعه اجتماعی و توسعه‌ی شبکه‌ی چندگانه‌ی روابط اجتماعی در جامعه است و گذر تدریجی از همبستگی محولی به همبستگی عام و اعتماد اجتماعی متقابل را میسر و تعمیم‌پذیر می‌سازد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۹۷-۱۹۶).

نظر به اهمیت وافر فرآیند ادغام اجتماعی در نظم اجتماعی و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جامعه به طور عام و کنترل و انتظام گروه‌های مهاجر به طور خاص، مطالعه‌ی فرآیند

<sup>۱</sup> برنامه پژوهشی معادل اصطلاح رایج پارادایم در نظر گرفته شده است.

طرد و ادغام اجتماعی مهاجران و ارتباط آن با ساختارهای کلان و نابرابری‌های اجتماعی افقی و اقتصادی عمودی، می‌تواند هم توجه را به این گروه‌ها و مسائل خاص‌شان جلب کند و هم با آشکار کردن سازوکار عمل نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و طرد اجتماعی، بستر لازم برای حل بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی کلانشهرها را فراهم سازد. با توجه به اهمیت مسأله، هدف اصلی این مقاله بررسی سازوکار اثرگذاری نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی بر طرد اجتماعی مهاجران (مطالعه‌ی موردی کلانشهر اصفهان) است.

### مروری بر ادبیات طرد اجتماعی

#### ۱- تعریف طرد اجتماعی

ایده‌ی طرد اجتماعی ریشه در بحث‌های سیاست‌گذاری اجتماعی- اقتصادی در مورد اهمیت محوری انسجام همبستگی و ادغام به عنوان یک اصل راهنما برای نظام تأمین اجتماعی دارد. در سالهای ۱۹۶۰ در فرانسه اصطلاح طرد اجتماعی برای اشاره به جامعه‌ی کاتولیک به کار می‌رفت که فقر بیش از اندازه داشتند و در مناطق کمتر توسعه‌یافته زندگی می‌کردند. رن لنیور<sup>۱</sup> در سالهای ۱۹۷۰، این اصطلاح را برای اشاره به افرادی که توسط دولت موجود و شبکه‌های اجتماعی رانده شده بودند استفاده کرد، افرادی نظیر فقرا، معلولان، افرادی که خودکشی می‌کردند، کودکان آزار دیده، معتادان و از این قبیل (گوردن ۲۰۰۷: ۱۹۳). تاونزند در مطالعه فقر در انگلستان (۱۹۷۹) نشان داد فقر نسبی بر مشارکت اجتماعی اثر می‌گذارد. از نظر او فقرا اگر نتوانند در زندگی موقعیت‌هایی را داشته باشند که به آنها اجازه دهد تا نقش ایفا کنند، در روابط مشارکت کنند و با فضیلت عضویت‌شان در جامعه، رفتارهای معمولی را که از آنها انتظار می‌رود، داشته باشند؛ به طور اجتماعی طرد می‌شوند (باترو، ۲۰۰۵: ۲۲۷). در سالهای ۱۹۸۰ در پی شوک نفتی و بیکاری، این واژه به جوانان و میانسالانی اشاره داشت که کارگرانی غیرماهر بودند و صنعتی‌شدن مجدد، آنها را پس زده بود (گزارش سالانه مرکز تحلیل طرد اجتماعی انگلیس، ۲۰۱۰). با این حال تا سال ۱۹۹۷، یعنی زمانی که دولت کار انگلستان

در سال ۱۹۹۸ واحد طرد اجتماعی<sup>۱</sup> SEU را تأسیس کرد، این اصطلاح زیاد رایج نبود. دولت کار طرد اجتماعی را اینگونه تعریف کرد: اصطلاح جامعی برای آنچه که ممکن است برای برخی افراد یا مناطق، هنگامی که از ترکیبی از مسائل مرتبط نظیر بیکاری، فقرمهارتی، درآمد پایین، خانه‌های فقیر، جرم بالا، بهداشت نامناسب و خانواده‌های از هم پاشیده رنج می‌برند، رخ دهد (گزارش واحد طرد اجتماعی، ۲۰۰۱: هاگسلی و همکاران، ۲۰۱۲). پس از ایجاد واحد طرد اجتماعی، این مفهوم هم به عنوان موضوع مورد مطالعه و هم به عنوان پارادایم روشی برای مطالعه‌ی فقر و محرومیت به کار گرفته شد. در جدول زیر خلاصه‌ی تعاریف طرد آمده است.

جدول ۱: تعریف طرد در نزد صاحب‌نظران

مؤسسه/فرد	زمان و مکان	تعریف
جامعه‌ی نویسندگان	فرانسه ۱۹۶۰	برای اشاره به جامعه‌ی کاتولیک که فقر بیش از اندازه داشتند به کار می‌رفت و در مناطق کمتر توسعه‌یافته زندگی می‌کردند.
رن لنیور	فرانسه ۱۹۷۰	افرادی که توسط دولت و شبکه‌های اجتماعی رانده شده‌اند طردشدگان اجتماعی‌اند- افرادی نظیر فقرا، معلولان، کسانی که خودکشی می‌کنند، کودکان آزار دیده، معتادان و از این قبیل.
تاوونزند	انگلیس ۱۹۷۹	طرد افراد، طرد از شیوه‌های استاندارد زندگی، فعالیت‌های اجتماعی پایه‌ای و معادل محرومیت نسبی و فقری چندبعدی است.
اتکینسون	انگلیس ۱۹۹۸	طرد دارای سه بعد نسبی، عاملیت و پویایی است. بیکاری و فقدان درآمد معرف‌های بارز آن هستند.
آمارتیا سن	هند ۲۰۰۰	طرد مربوط به شکست در کسب سطوحی از قابلیت، در اشکال مختلف کارکردی، بخشی از فقر قابلیتی و مؤلفه‌ی ذاتی و اساسی فقر است.
واحد طرد اجتماعی	انگلیس ۱۹۹۸	اصطلاح جامعی برای آنچه ممکن است برای برخی افراد یا مناطق پیش آید- هنگامی که از ترکیبی از مسائل نظیر بیکاری، فقرمهارتی، درآمد پایین، خانه‌های فقیر، جرم بالا، بهداشت نامناسب و خانواده‌های از هم پاشیده رنج می‌برند.

<sup>۱</sup> Social Exclusion Unit

گوردن و پنتزی	انگلیس ۲۰۰۰	اشاره به وضعیتی فراتر از فقر و محرومیت دارد و دامنه‌ی وسیع‌تری از منابع و حقوق شهروندی را در برمی‌گیرد.
کابیر	انگلیس ۲۰۰۰	تعدادی از عوامل که با هم کنش متقابل دارند و نتیجه‌ی آنها عدم دسترسی گروه یا فرد و عدم فرصت مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی است.
بیل و پیرون	انگلیس ۲۰۰۵	فرآیند و موقعیتی که مانع افراد یا گروه‌ها برای مشارکت کامل در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دسترسی به حقوقشان می‌شود.
اوندرو	انگلیس ۲۰۰۰	طرد اجتماعی چند بعدی است و با ابعاد طرد از منابع مادی، روابط اجتماعی، فعالیتهای مدنی، خدمات اساسی و روابط همسایگی فهمیده می‌شود.
پوگی	فرانسه ۲۰۰۴	طرد به عنوان بی‌قدرتی و فقدان توانمندی در سطح فردی و یا به عنوان موانع ساختاری در سطح اجتماعی تعریف می‌شود و با حقوق شهروندی در ارتباط است.
بارنز	انگلیس ۲۰۰۵	اشاره به فرآیندهای پویا و چند بعدی خروج کامل و یا جزئی از سیستم‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی‌ای دارد که تعیین‌گر وفاق اجتماعی فرد با جامعه‌اند.
فیتزپتریک	انگلیس ۲۰۰۱	مطروdit به معنای ساده‌ی نداشتن منابع مادی نیست بلکه روندی پویا از به حاشیه رانده شدن اجتماعی است که ریشه‌های متنوعی دارد.
گیدنز	انگلیس ۲۰۰۷	چهار شاخص طرد در انگلیس شامل: ۱- کسانی که شغل بدون مهارت و آموزش دارند ۲- درآمدی کمتر از ۶۰ درصد میانه درآمدی جامعه دارند ۳- روابط اجتماعی کمی دارند ۴- در مناطق با جرم بالا، وندالیسم و ساختمان‌های مخروبه ساکنند.
تراچی	ژاپن ۲۰۱۱	جنبه‌ای است از چگونگی درک افراد از محدودیت‌شان در دسترسی به منابع و فرصت‌ها در محیط تصمیم‌گیری.
دآمبروزو	فرانسه ۲۰۰۲	عدم توانایی یک فرد به لحاظ مشارکت در اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پایه‌ای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند.
هرتولانوس و	انگلیس ۲۰۰۶	فقر مدرن یا همان طرد اجتماعی به معنای محرومیت و فقط فقر

میوسن		مالی حاد نیست بلکه طرد از جامعه است و مشخصه‌اش انزوای اجتماعی است.
چکروارتی	هندوستان ۲۰۰۹	فرآیندی که طی آن افراد یا گروه‌ها به طور کامل یا به صورت بخشی از مشارکت کامل در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، طرد شوند.

## ۲- عناصر طرد اجتماعی

محققان بر ابعاد و عناصر خاصی از طرد اجتماعی تأکید دارند؛ روم<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) طرد را دال بر انقطاع در روابط با کل جامعه دانسته و پنج عامل کلیدی چند بعدی بودن، پویایی، جمعی، رابطه‌ای و ناگهانی بودن<sup>۲</sup> را در محور تعریف آن قرار داده است. پاپادوپولس و تساکلوگلو<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) به طور مشابهی، طرد را در پنج مفهوم کلیدی می‌بینند: چند بعدی، پویایی، رابطه‌ای، نسبی و عاملیت (جان میلر ۲۰۰۷: ۲-۳). علاوه بر این، غیرعمدی و ناآگاهانه بودن طرد را نیز باید لحاظ نمود، چنانکه در برخی جوامع گروه‌ها و طبقات اجتماعی (نظیر زنان، اقلیت‌ها و مهاجران)، حتی هنگامی که آشکارا هدف خصومت و نفرت نیستند، غیرعامدانه به حاشیه رانده می‌شوند. به طور خلاصه:

**چند بعدی بودن** طرد اجتماعی در سنجش و فرآیند آن وجود دارد و اضافه بر سطوح فردی درآمد، مصرف یا جایگاه اجتماعی، می‌تواند در ارتباط با عضویت اجتماعی در گروه، اجتماع و یا در سطح ملی و یا اینکه چگونه این عضویت بر دسترسی به اهداف و خدمات، بیکاری، شبکه‌های امن و حقوق اثر می‌گذارد (چکروارتی، ۲۰۰۹، چیترا، ۲۰۱۱: ۲۹) تعیین شود. **پویایی** اشاره به فرآیندی بودن طرد دارد و تأکید می‌کند نه فقط موقعیت کنونی بلکه فرصت‌ها و قابلیت‌های دیگر برای برخورداری از این موقعیت‌ها، عامل مؤثر طرد اجتماعی‌اند. طرد اجتماعی می‌تواند بین نسلی باشد و افراد باید چشم‌انداز آینده‌نگر داشته باشند و در قبال نسل‌های بعدی مسؤول باشند. **رابطه‌ای بودن** یعنی فرآیند طرد در بردارنده‌ی رابطه‌ای است که در آن حداقل دو طرف، امکان نابرابر در نفوذ، قدرت یا

1 Room

2 Catastrophic

3 Tsakloglou & Papadopoulos



منابع دارند(فیروزآبادی و صادقی ۱۳۹۲: ۲۱۰). **نسبی بودن** یعنی افراد به واسطه‌ی دیگر حوادث جامعه طرد می‌شوند و طرد در حقیقت می‌تواند دارایی یک گروه از افراد نسبت به دیگر افراد یا گروه‌ها باشد. در **عاملیت**، نقش افراد در انتخاب و کناره‌گیری عمدی در طرد اختیاری و پذیرش موقعیت طردشدگی توسط مطرودان و سایر افراد و نهادها برجسته می‌گردد (اتکینسون و هیل، ۱۹۹۸).

متیسون و همکارانش به طور جامعی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی مفهوم طرد اجتماعی را به قرار زیر می‌دانند: ۱- چه گروه‌هایی در خطر طردند؟ ۲- افراد از چه محروم شده‌اند؟ ۳- مسائل مرتبط با طرد کدامند؟ ۴- فرآیندهای مشتق از طرد و سطوحی که رخ می‌دهند، کدامند؟ ۵- عاملان اجرا و کنشگران درگیر در طرد چه کسانی هستند؟ ۶- چند بعدی، پویایی و نسبی بودن مفهوم طرد اجتماعی (متیسون و همکاران ۲۰۰۸). برادشو علاوه بر موارد مذکور، جرم، ترس از جرم و اثر همسایگی و محله<sup>۱</sup> را نیز از عناصر طرد دانسته است (برادشو و دیگران، ۲۰۰۴: ۹۸).

باید توجه داشت در بحث نسبی بودن، طرد اجتماعی را می‌توان در طیف‌های مختلفی سنجش نمود؛ ضیاءالدین طیف طرد را از طرد کامل تا ادغام نامطلوب (طرد کامل، طرد جزئی و ادغام نامطلوب) درجه‌بندی می‌کند. دیوید میلیباند طرد را شامل سه بعد گسترده (تعداد زیادی از مردم از یک یا تعداد کمی از شاخص‌ها محرومند)، عمیق (نوعی محرومیت از ابعاد چندگانه و همپوشانه) و متمرکز (مشکلات در یک منطقه‌ی جغرافیایی متمرکز می‌شود و آن منطقه به طور کامل محروم است) می‌داند. ویسلز و می‌دما (۲۰۰۲) طرد اجتماعی را در قالب پیوستاری از طرد خفیف تا طرد شدید توصیف کرده‌اند: ۱- طرد انتخابی (افراد سبک‌های زندگی متفاوتی را خارج از جریان غالب جامعه، جستجو می‌کنند) ۲- طرد اولیه (افراد با یک اختلال جزئی مواجه می‌شوند اما قادر به مشارکت در

---

<sup>۱</sup> در اکثر تحقیقات، تجمع گروه‌های مطرود در محله‌های محروم از خدمات و امکانات اجتماعی و اقتصادی تأیید شده اما در مورد اینکه آیا فقر محله‌ای باعث طرد افراد و گروه‌های ساکن شده ویا اینکه افراد و گروه‌های مطرود به خاطر فقر و انزوای اجتماعی به این مناطق پناه می‌برند، توافق و دلایل اثبات شده‌ای وجود ندارد.

زندگی اجتماعی سیاسی و فرهنگی‌اند) ۳- طرد متوسط (افراد از برخی آرایش‌های مشخص بنیادین طرد می‌شوند اما همچنان در چارچوب‌های غالب جای می‌گیرند، مانند طرد بر پایه‌ی جنسیت یا قومیت) ۴- طرد پیشرفته (افراد به دلیل ترکیبی از عوامل اجتماعی و اقتصادی از قالب‌های اصلی و بنیادین ادغام اجتماعی بیرون می‌مانند. در این حالت، طرد صورتی انباشتی و چندبعدی پیدا کرده و به ابعاد مختلف زندگی سرایت می‌کند) ۵- طرد شدید (افراد به طور گسترده‌ای از جهان زندگی واقعی‌شان خارج می‌شوند و از قالب‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی ادغام اجتماعی کنار گذاشته می‌شوند. این حالت به انفصال دائم و قطعی از جامعه اشاره دارد (غفاری و حبیب پور، ۱۳۹۳: ۲۷۹-۲۷۵).

بر اساس عاملیت، عوامل مؤثر بر فرآیند طرد اجتماعی را می‌توان در چهار گروه قرار داد: ۱- جهانی شدن و تغییرات اقتصادی ۲- سیاست‌های عمومی دولت‌ها ۳- تبعیض، داغ و حقوق انسانی ۴- مقولات اجتماعی نظیر جنسیت، سکسوالیته، طبقه‌ی اجتماعی، مذهب و قومیت (متیسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۸).

در مجموع نکاتی که درباره‌ی طرد اجتماعی باید دانست:

- ۱- نه فقط گروه مهاجران بلکه هر کسی ممکن است در خطر طرد از جامعه قرار گیرد.
- ۲- هر خطری باعث طرد نمی‌شود. طرد اجتماعی به تعامل خطرات تهدیدکننده‌ی افراد و عوامل مؤثر مثل نهادها، هنجارها، سیاست‌ها و رفتارها بستگی دارد.
- ۳- طرد اجتماعی را می‌توان سنجش نمود، فقط به پول مرتبط نیست.
- ۴- ارزشها و موضوعات رفتاری در مطرود شدن مؤثرند.
- ۵- زمینه‌ی محلی بر افراد اثر می‌گذارد (مثلاً دامنه‌ی فرصت‌های موجود اشتغال، موقعیت زیرساخت‌های اساسی مثل حمل‌ونقل، فاصله با مراکز شهری و تضاد محیطی) گزارش توسعه‌ی انسانی منطقه‌ای ۲۰۱۰، سنجش ادغام اجتماعی).

### ۳- تحقیقات صورت گرفته مرتبط با طرد اجتماعی

به اعتقاد متیسون و همکارانش، درک و نمود مفهوم طرد اجتماعی تابع موقعیت است و

هرچند مفهوم طرد اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته، جایی که طرد با بیکاری طولانی‌مدت، فقدان حقوق کار و دولت رفاه و فرآیند گسست پیوندهای اجتماعی و سیالیت مرتبط بود، گسترش یافته ولی حالا برای کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذر، جایی که طرد شدیداً با شکل‌گیری بازار کار مرتبط است، به کار می‌رود (متیسون، ۲۰۰۸: ۸، گور و فیگورو، ۱۹۹۷). جولیس ویلسون در بررسی طرد اجتماعی گروه‌های نژادی و طبقه‌ی زیرین جامعه‌ی امریکا، تأکید داشت که سیستم‌های متفاوت تولید و سیاستهای متفاوت دولتها، محدودیت‌هایی را بر شیوه‌ی تعامل گروه‌های نژادی تحمیل می‌کند؛ محدودیت‌هایی که نه تنها روابط بین گروه‌های نژادی بلکه دسترسی به پاداشها و مزایا را هم به طور ساختاری محدود می‌کند (ویلسون، ۱۹۷۸؛ گروسکی، ۲۰۰۸: ۷۰۱). به بیان ویلسون، افزایش جرم، رفتارهای غیرقانونی و تک‌والدینی، عواقب سیستم‌های اجتماعی و نشان‌دهنده‌ی هنجارهای فرهنگی و ارزشها هستند و در اصل برخاسته از ایزوله‌سازی اجتماعی‌اند و نه فرهنگ درونی‌شده‌ی فقر. کاین<sup>۱</sup> (۱۹۶۸) با طرح «نظریه‌ی عدم تناسب مکانی»<sup>۲</sup> نگاه‌ها را متوجه جداسازی مکانی کرد. به اعتقاد او نژادپرستی اجتماعی<sup>۳</sup> یعنی جداسازی محل سکونت، می‌تواند با سایر نیروهای اقتصادی ساختاری ترکیب شود و نتیجه‌ی آن ایزوله‌شدن جمعیت، به همراه شرایط بیکاری مزمن خواهد بود. گلد<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) معتقد است نژادپرستی ساختاری فرهنگی مدرن، به عنوان عامل قوی محدودکننده محسوب می‌شود که پیشرفت اجتماعی اقتصادی اقلیت‌ها را محدود می‌کند. زیرا ساختار کلی تحت ارزشهای فرهنگی عمل می‌کند و این ساختار در بین گروه‌های اقلیت متفاوت است (ولف، ۲۰۰۶: ۶۶-۶۲). لوری معتقد است در بازار امریکا هنوز علیه سیاهان تبعیض وجود دارد و شواهد بسیاری تأیید می‌کند که شکاف مهارتی بین سیاه و سفید، عامل کلیدی تبعیض است. این شکاف، ناشی از فرآیند طرد اجتماعی و بازتاب عوامل فرهنگی اجتماعی- جدایی‌گزینی جغرافیایی، ارزشهای

---

1 Kain

2 Spatial mismatch theory

3 Socially-sanctioned racism

4 Gould

اجتماعی زیان‌بار و پیامدهایشان و آموزش ضعیف- است که یک بعد نژادی دارند (لوری، ۲۰۰۰: ۱۵؛ کاتلر و گلنزر، ۱۹۹۷؛ اکرف، ۱۹۹۷). روبرت سامپون و جفری مورنوف در مقاله‌ی «نابرابری متداوم؛ پویایی‌های فضایی فرآیندهای اجتماعی و تداوم فقر در محله‌های شیکاگو» همبستگی بالای بین فقر و نژاد را عیان کردند (سامپون و مورنوف، ۲۰۰۶؛ گروسکی، ۲۰۰۸: ۳۷۱-۳۷۸). کلافم (۲۰۰۰) این تحقیق نشان داد که بین بی‌خانمانی و طرد رابطه‌ی قوی‌ای وجود دارد، به طوری که تعداد سیاهان و اقلیت‌های قومی بی‌خانمان نسبت به سفیدها بیشتر است (کلافم، ۲۰۰۰: ۸۳). اریکسون و همکارانش (۲۰۰۵) فرصت تحرک را در رابطه با دسترسی به آموزش رایگان و با کیفیت مطرح می‌کنند. آنها نشان دادند که در انگلستان و ولز، مشاغل و انتخاب‌های آکادمیک که بچه‌ها در مورد آموزش دارند، تحت تأثیر طبقه است. بچه‌هایی با پس‌زمینه‌ی کارمندی، پنج برابر بیشتر از بچه‌های کارگران یدی، احتمال ادامه‌ی تحصیل دارند (کتی برد، ۲۰۰۷: ۳۷).

گاسیتوا ماریو و کونتین وودن<sup>۱</sup> در مطالعه‌ی کمی و کیفی طرد شهری در اروگوئه، دریافتند قطبی‌شدن در راستای خطوط جغرافیایی و درآمدی بوده و در پدیده‌ی طرد دخیل است. بر این اساس ساکنان طرد شده‌ی مناطق محروم بیشتر شامل گروه‌های آسیب‌پذیر-کودکان فقیر، مردان جوان غیرفعال، مادران نوجوان، زنان سرپرست خانوار با درآمد پایین، مردان میانسال بیکار و زنان بالای ۵۰ سال خصوصاً بدون بچه است (ماریو و همکارش ۲۰۰۱: ۷۴). دیوید کارد و استیون رافائل (۲۰۱۳) مسائل مرتبط با رقابت در بازار کار، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، الگوهای حاشیه‌نشینی فضایی و پراکندگی و پیامدهای آنها بر فقر، تحرک اجتماعی در بین نسلها، اثر زمینه‌ای طبقه‌ی اجتماعی مهاجران و فرهنگ قومی بر شکل‌گیری ویژگی‌های بچه‌های مهاجران، اثر پایگاههای خنثی<sup>۲</sup> بر جوانان و همچنین نقش سیاستهای فدرال و دولتی بر مشارکت مهاجران در بازار کار و برنامه‌های اجتماعی و اثرگذاری این عوامل را نمایان ساختند (کارد و رافائل،

1 Estanislao Gacitua-Mario. & Quentin Wodon

2 Undocumented status

(۲۰۱۳).

فانگن در مطالعه‌ی مهاجران سومالیایی مقیم نروژ، وجود رابطه‌ی روشن بین طول مدت تحصیل و دسترسی به بازار کار و روند کلی آموزشی را بر طرد در بازار کار در مورد جوانان، با زمینه‌ی مهاجرتی تأیید نمود. به سخن دیگر منشأ مهاجرتی متفاوت مهاجران باعث می‌شود تا در جامعه‌ی میزبان، جایگاه متفاوتی داشته باشند. فانگن با تفکیک انواع طرد (شامل طرد آموزشی، طرد فضایی، طرد از بازار کار، طرد رابطه‌ای و سرانجام طرد سیاسی-اجتماعی) تأکید دارد. طرد و ادغام اجتماعی نباید فقط بر اساس آموزش و بازار کار دیده شود بلکه اگر به لحاظ مشارکت/عدم مشارکت و تعلق/عدم تعلق به اجتماع محلی یا گنگ‌ها و گروه‌های اولیه، آشنایان، اوقات فراغت، سازمانهای سیاسی و مدنی در نظر گرفته شود، درک بهتری حاصل خواهد شد (فانگن، ۲۰۱۰). هایسکن و ساینین (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی مهاجران مقیم آلمان نشان دادند که شواهد متقاعدکننده‌ای وجود دارد که فرضیه‌ی مبنی بر ادغام اجتماعی مهاجران، همچون آلمانی‌ها را حمایت می‌کند و این نتایج با ویژگیهای جمعیتی-اجتماعی کم و بیش مثبتی که مهاجران دارند (سن موفقیت و ساختار خانواده) و اینکه چه اندازه در رضایت از زندگی‌شان سهم دارند، همخوانی دارد (هایسکن و همکارش، ۲۰۰۷: ۲). همچنین در مطالعه‌ی منسجم شش کشور (اکراین، تاجیکستان، مقدونیه، صربستان، مولداوی و قزاقستان) نتایج نشان داد که افراد مسن‌تر، بچه‌ها، جوانان، ساکنان روستایی، بیکاران و بی‌سوادان به لحاظ اجتماعی مطرودترند در حالی‌که افراد در هر شش کشور با یک عمق مشابه طرد روبرو بودند، اعضای بعضی گروه‌ها که یا براساس قومیت (روما) یا موقعیت تعریف می‌شوند (افراد بی‌مکان، بی‌خانمان‌ها و پناهندگان) بیشتر مطرودند (گزارش توسعه انسانی منطقه‌ای سال ۲۰۱۱).

از مهمترین تحقیقاتی که درباره‌ی طرد اجتماعی در داخل کشور ایران صورت گرفته است، می‌توان کارهای فیروزآبادی و غفاری را نام برد. فیروزآبادی و صادقی (۱۳۹۲) در کتاب *طرد اجتماعی* به طور کامل به مباحث نظری پیشینه و مفاهیم مرتبط با مفهوم طرد

اجتماعی پرداخته‌اند. محققان یاد شده در فصلی جداگانه، طرد اجتماعی زنان روستایی ایرانی را در دو گروه مهاجر و بومی بررسی نمودند. نتایج نشان داد که زنان فقیر بومی به لحاظ حمایتی، از شبکه‌های درون گروهی قوی‌تر برخوردارند و طرد کمتری را نسبت به هم‌تایان مهاجر خود تجربه می‌کنند. همچنین زنان فقیر بومی در فعالیت‌های غیررسمی یا غیرانجمنی، مشارکت فعالتری نسبت به هم‌تایان مهاجر خود دارند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۷۵). غفاری و همکارش پس از عنوان نمودن مقیاس‌های مورد استفاده‌ی محققان حوزه‌ی طرد اجتماعی، در مطالعه‌ی تجربی خانواده‌های ساکن منطقه ۲۰ تهران، با تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی و طرح ۱۷ متغیر در جامعه‌ی مورد مطالعه، چهار مؤلفه‌ی رضایت از زندگی، شهروندی، بیگانگی اجتماعی و تعامل اجتماعی را در مفهوم طرد اجتماعی شناسایی و سنجش کرده‌اند (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴). شیانی (۱۳۸۴) در مقایسه‌ی دو استان تهران و سیستان و بلوچستان (آمارهای سال ۱۳۸۲)، تأثیر سطح شهرنشینی، توسعه‌ی انسانی، فقر انسانی بر تحقق شهروندی را تأیید می‌کند. شیانی شهروندی را تقریباً معادل ادغام اجتماعی در نظر گرفته است. از نظر او برخوردار نبودن از امکانات و دسترسی به منابع، یکی از زمینه‌های اصلی کاهش آگاهی و رفتار به حقوق و وظایف شهروندی است و متقابلاً عدم تحقق حقوق و وظایف افراد، عنصر مهمی در دستیابی به منابع و امکانات است (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۷). بلالی (۱۳۸۹) طرد اجتماعی اقوام را در آیینی آمار دیده و به بررسی بودجه‌ی استانهای ترک‌نشین و کردنشین پرداخته است. در مقایسه‌ی منفرد سالها و استانها، سرانه‌ی بودجه‌ی استانهای ترک‌نشین و کردنشین، فاصله‌ی زیادی با تهران و برخی دیگر از استانهای فارس‌نشین مثل اصفهان، فارس و سمنان داشت؛ به طوری که در همه‌ی این موارد، استانهای قومی‌نشین (غیرفارس)، رقم‌های بودجه‌ی بالاتری نسبت به تهران دارند. این امر نشان می‌دهد که در توزیع بودجه، مرکزیت تهران به معنای تفوق این استان بر استانهای قومی‌نشین ترک و کرد نیست (بلالی، ۱۳۸۹: ۱۸).

### چارچوب نظری طرد اجتماعی مهاجران

عوامل اجتماعی متعددی نظیر مهاجرت، جمعیت، سرمایه‌ی اجتماعی، حمل و نقل، آموزش، بهداشت و محیط زندگی بر طرد اجتماعی افراد و گروه‌ها اثر می‌گذارند. در گروه مهاجران، مهاجرت بر سایر عوامل برتری و اثرگذاری دارد. مهاجرت در کنار پیامدهای مثبتش در توسعه و تغییر اجتماعی، پیامدهای منفی نیز دارد. مهاجرت ممکن است هم به لحاظ علت و هم به لحاظ پیامد چندان مطلوب نباشد. مهاجرت با به هم زدن ساختار جمعیتی در مناطق مهاجرپذیر، بیشتر معضل ایجاد می‌کند تا در مناطق مهاجر فرست. مهاجرت در نتیجه‌ی کم ارزش شدن سرمایه‌ی مکانی است و مهاجران می‌خواهند با تغییر فضایی، موقعیت اجتماعی را بهبود دهند. هافمن و نواتنی<sup>۱</sup> می‌گویند مهاجرت در پاسخ به نابسامانی‌های ساختاری است و باعث قابل تحمل‌تر شدن نابرابری‌های موجود در سیستم جهانی می‌گردد (وایس، ۲۰۰۵: ۷۲۳). مطابق نظریه‌ی جذب و دفع اورت اس لی<sup>۲</sup> چهار عامل عمده در مهاجرت دخیلند: عوامل موجود در مبدأ، عوامل موجود در مقصد، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد (نظیر ممانعت‌های قانونی و فیزیکی) و عوامل شخصی نظیر سن، جنس، مهارت، نژاد، وابستگی سیاسی و تعلقات قومی (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۹۲: ۲۲۹). بجزء درصد کمی (مهاجران سیاسی و یا جنگی) بیشتر مهاجران در پی رهایی از اوضاع نابسامان اقتصادی و توسعه‌ی ناموزون، به مناطق توسعه‌یافته‌تر، برابرتر و چند فرهنگ‌گرا مهاجرت می‌کنند ولی با این حال همچنان که تحقیقات نشان داده مهاجران و گروه‌های نژادی شانس زندگی متفاوتی را نسبت به اکثریت جامعه تجربه می‌کنند. مهاجران فاصله‌ی درآمدی دو رقمی با سایر گروه‌ها دارند؛ به طور مزمونی نرخ بیکاری بالاتر، فقر عمیق‌تر، بیماری بیشتر، محله‌های منزوی، دسترسی نابرابر در امکان سکونت و برخورد بیشتری با سیستم قضایی-جنایی دارند؛ شرایطی که زمینه‌ساز بستر لازم برای طرد مهاجران خواهد بود. در واقع طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که محرومیت‌ها و محدودیت‌ها

---

1 Hoffmann- Nowotny

2 Everett. S.Lee

جمع و با یکدیگر تقویت شوند و این شرط در زندگی مهاجران زودتر برقرار می‌گردد. در تورنتو کانادا دیده شده مهاجران بیشتر از غیرمهاجران، درآمد پایین دارند؛ در مناطق فقیر زندگی می‌کنند و در معرض جرم و قربانی شدن هستند (گلبوزی ۲۰۰۵: ۳۷-۳۵). در بیشتر موارد، محدودیت زبانی مهاجران باعث محدودیت منابع می‌گردد و فقدان حساسیت فرهنگی، مانع خدمات‌رسانی و عدم اجرای خوب امور فرهنگی آنهاست. از این‌رو در اغلب اوقات مهاجران نسبت به اکثریت جامعه‌ی میزبان از خدمات و امکانات مناسب و کافی برخوردار نیستند و نابرابری، فقر و طرد قابل ملاحظه‌ای دارند.

در تبیین پدیده‌ی طرد اجتماعی مهاجران و به منظور تأکید بر نقش فرصت‌های اجتماعی اقتصادی می‌توان نظرات وبر، پارکین و بلاو در باب نابرابری را مبنا قرار داد. از دید وبر، نابرابری اجتماعی چند بعدی است و در رابطه‌ی اجتماعی آبیگینی می‌یابد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۰۳) وبر فرصت‌های حیاتی و فرصت‌های اقتصادی را با هم در کانون تحلیل خود در مورد قشربندی قرار داده است و با تأکید بر سه عامل قدرت (سیاست)، دارایی (اقتصاد) و منزلت (اجتماعی) به تبیین نابرابری‌های اجتماعی می‌پردازد. از نظر بلاو، نابرابری‌های اجتماعی برخاسته از پارامترهای اسمی و رتبه‌ای است. پارامترهای اسمی (جنسیت، مذهب، هویت نژادی، شغل و محل زندگی) ناهمگونی را به وجود می‌آورند و پارامترهای رتبه‌ای (آموزش، سن، درآمد، اعتبار و قدرت) نابرابری را ایجاد می‌کنند (کوزر، ۱۳۷۸: ۵۲۳-۵۲۲). فرانک پارکین با پیوند مفهوم قدرت با انسداد اجتماعی به بحث نابرابری اجتماعی در سطح میانه می‌پردازد. پارکین، طرد و غصب را دو شکل عمده‌ی انسداد اجتماعی می‌داند. طرد استراتژی‌هایی است که گروه‌ها برای جداکردن بیگانه‌ها از خود و ممانعت از دسترسی آنها به منابع ارزشمند اتخاذ می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۲۸). پارکین طرد را مظهر نابرابری اقتصادی-اجتماعی و نوعی استثمار و تبعیض می‌داند. به زعم او، طرد اجتماعی در واقع تلاش‌های جمعی یک گروه اجتماعی است که برعکس گروه دیگر هدایت شده تا آن گروه را از دسترسی به پاداش و

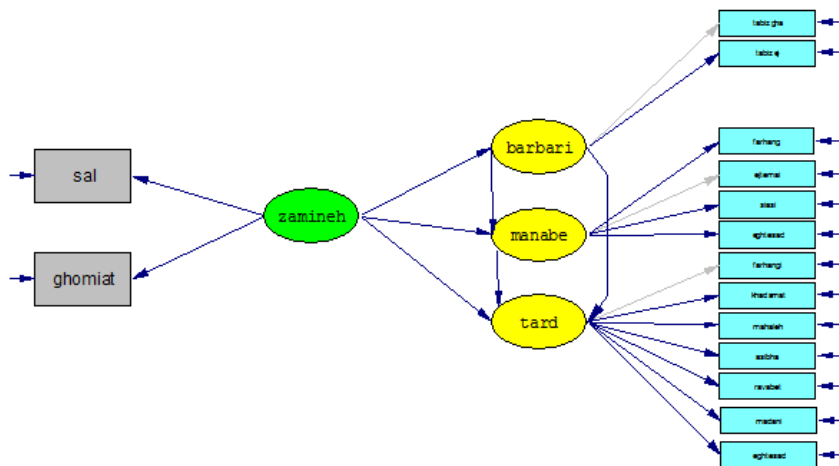


فرصت‌ها محروم کند (ریزمن و انگویتا ۱۳۸۸: ۱۴۵).

با این توصیف‌ها فرضیه‌ها و مدل تحلیلی زیر طرح می‌گردد.

۱. مهاجران نسبت به بومیان دسترسی کمتری به منابع اجتماعی و اقتصادی دارند.
۲. مهاجران نسبت به بومیان تبعیض اجتماعی بیشتری دارند.
۳. مهاجران نسبت به بومیان طرد اجتماعی شدیدتری دارند.
۴. میزان شدت طرد اجتماعی گروه‌های مهاجر برحسب مدت زمان مهاجرت متفاوت است.

مدل ۱- رابطه‌ی فرصت‌های اجتماعی- اقتصادی و طرد اجتماعی



### روش تحقیق

این تحقیق مبتنی بر مقایسه و تطبیق است. متغیرهای مستقل تحقیق، سالهای اقامت و منشأ مهاجرتی (قومیت) هستند که در سه گروه مهاجران افغان، عراقی و بومی اصفهان سنجش شده است. متغیرهای تبعیض اجتماعی و دسترسی به منابع نقش واسط دارند و طرد اجتماعی متغیر وابسته‌ی تحقیق است. برای سنجش ابعاد هفت‌گانه‌ی طرد و ادغام اجتماعی طیف ۶۷ گویه‌ای و برای ابعاد شش‌گانه منابع و تبعیض‌های اجتماعی طیف ۳۰ گویه‌ای طراحی گردید. قلمرو مکانی و زمانی تحقیق شهر اصفهان و سه ماه اول سال

۱۳۹۴ است. منابع اطلاعات شامل داده‌های رسمی و غیررسمی استانداری اصفهان، شهرداری اصفهان، بانک اطلاعات مشاغل و اطلاعات سرپرست یا یکی از اعضای بالای ۱۸ سال خانواده است. جامعه‌ی آماری تحقیق، شامل خانوارهای مهاجر و غیر مهاجر ساکن مناطق چهارده‌گانه‌ی شهر اصفهان است اما در جمع‌آوری اطلاعات تأکید بر محله‌هایی است که در آنها تراکم مهاجران بالاست. با توجه به ماهیت کمی-کیفی تحقیق، شیوه‌ی نمونه‌گیری، ترکیبی از نمونه‌گیری‌های نظری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای و هدفمند است. حجم نمونه‌ی کلی شامل ۴۴۹ خانوار و حجم نمونه‌ی منتخب برای مقایسه‌ی مهاجران خارجی و بومی‌ها، ۲۳۲ خانوار (۹۴ خانوار مهاجر خارجی (۳۱ خانوار عرب عراق و ۶۳ خانوار افغانی) و ۱۳۸ خانوار بومی) است. در تحلیل آماری داده‌ها، از آزمون‌های همبستگی، تفاوت (کروسکال والیس) و معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و لیزرل به کار گرفته شده است.

#### یافته‌ها

در توصیف نمونه‌ی مورد مطالعه می‌توان گفت: مهاجران افغانی<sup>۱</sup> و عراقی فقط به دو دلیل به ایران مهاجرت کرده‌اند؛ یافتن شغل (۷۰٪ افغان‌ها-۶۰٪ عراقی‌ها) و امنیت (۳۰٪ افغان‌ها-۴۰٪ عراقی‌ها). افغان‌ها به خاطر وضعیت جنگی و عدم امنیت از کشور خود گریخته‌اند و عراقی‌ها به اجبار به دلیل شیعه بودن و اصالت ایرانی داشتن از کشورشان اخراج شده‌اند. در حال حاضر، نیمی از جمعیت مهاجر عراقی بلا تکلیفند و نتوانسته‌اند تابعیت ایرانی بگیرند. مهاجران افغان همچنان در حال ورود به کشور ایران هستند ولی مهاجران عراقی در دو مرحله‌ی مهاجرت گروهی (در ۴۲ و ۳۵ سال پیش) وارد ایران شدند. افغانی‌ها یا کارگرند و یا بیکار و میانگین و میانه‌ی درآمدی آنها بین ۷۰۱ هزار تا یک و نیم میلیون تومان است در حالی که عراقی‌ها، هرچند در ارگانهای دولتی جذب

<sup>۱</sup> هرچند مهاجران کشور افغانستان در ایران به گروه‌های قومی مختلف (نظیر هزاره، تاجیک، پشتو و افغان) تعلق دارند و نسبت به اصطلاح افغانی که اشاره به گروه قومی افغان دارد، حساسیت منفی دارند و خود را افغانستانی معرفی می‌کنند، با این وجود به دلیل عدم عمومیت اصطلاح افغانستانی، در این مطالعه برای ادغام همه گروههای مهاجر آمده از افغانستان، اصطلاح افغانی به کار گرفته شده است.

نشده‌اند، در بازار کار آزاد جذب شده و در مشاغل کارگری مشغول نیستند بنابراین طبیعی است که میانگین و میانه‌ی درآمدی ماهانه آنها در وضعیت مطلوب و بالای یک و نیم میلیون تومان باشد و در ساختمان‌های با کیفیت‌تر سکونت گزینند. میانگین تحصیلات افغان‌ها، ۲/۵ سال و میانگین تحصیلات عراقی‌ها، ۷/۵ سال است و میانگین تحصیلات بومی‌های اصفهانی، ۱۰ سال است. خانواده‌های افغان در مقایسه با مهاجران عراقی (بعد خانوار=۴/۵ و میانه سنی=۳۳) و بومی اصفهان (بعد خانوار=۴ و میانه سنی=۳۴)، خانواده‌های پرجمعیت و جوان‌تری (بعد خانوار=۶/۶ با میانگین سنی=۲۰) دارند.

جدول ۲: مقایسه فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی در میان مهاجران خارجی و بومی‌های شهر

اصفهان

گروه	میانگین برابری اجتماعی <sup>a</sup>	حداقل - حداکثر	انحراف معیار	$(X^2)$	Sig
افغانی	۵/۹۸	۴-۹	۱/۴۶	۴۷/۰۱	/۰۰۰
عرب	۶/۷۷	۶-۸	/۸		
اصفهانی	۸/۰۶	۴-۱۳	۲/۱۵		
گروه	میانگین دسترسی کلی به منابع <sup>b</sup>				
افغانی	۳۰/۲۶	۱۹-۴۰	۴/۴	۱۳۴/۶۸	/۰۰۰
عرب	۲۷/۹۶	۲۳-۳۸	۴/۴		
اصفهانی	۳۹/۹۵	۲۴-۵۰	۴/۹۸		
گروه	میانگین دسترسی به منابع اقتصادی <sup>c</sup>				
افغانی	۳/۷	۳-۶	/۷۴	۸۰/۶۶	/۰۰۰
عرب	۵/۰۶	۳-۷	۱/۱۲		
اصفهانی	۶/۱۸	۲-۱۰	۱/۹۵		

۱ به دلیل غیر نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون نا پارامتری کروسکال - والیس مناسب تر است.

گروه	میانگین دسترسی به منابع فرهنگی <sup>d</sup>				
افغانی	۲/۷۱	۱-۴	۰/۷۵	۱۳۱/۵۷	۰/۰۰۰
عرب	۱/۵۸	۱-۴	۱/۰۲		
اصفهانی	۴/۴۴	۱-۵	۱/۱۲		
گروه	میانگین دسترسی به خدمات اجتماعی <sup>e</sup>				
افغانی	۱۷/۳۱	۱۰-۲۴	۲/۸۸	۹۹/۰۶	۰/۰۰۰
عرب	۱۳/۸۷	۱۲-۲۱	۲/۹۶		
اصفهانی	۲۰/۹۷	۱۲-۲۶	۳/۰۶		
گروه	میانگین دسترسی به منابع سیاسی <sup>f</sup>				
افغانی	۶/۴۴	۴-۹	۱/۳۱	۶۳/۹۳	۰/۰۰۰
عرب	۷/۴۵	۶-۱۰	۱/۳۶		
اصفهانی	۸/۲۴	۵-۱۱	۱/۳۷		

a- تبعیض اجتماعی از نظر قضایی و نزدیکی با سایر اعضای جامعه

b- دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و سیاسی

c- درآمد، یافتن شغل مناسب، استفاده از تسهیلات و خدمات بانکی و گرفتن مستمري و بارانه

d- فرهنگ‌سرا و کتابخانه، کافی نت، روزنامه فروشی و امکان تحصیل در دانشگاه

e- خدمات بهداشتی درمانی، ارتباطی، ورزشی، فضای سبز و زیرساختهای اساسی (آب، برق،

گاز و آسفالت) و حمل و نقل

f- حق رأی، حق ایجاد تشکل سیاسی و آزادی بیان و عقیده

همچنان‌که در جدول شماره‌ی (۱) پیداست در همه‌ی موارد تفاوت بارزی بین گروه‌های مهاجر خارجی و بومی‌ها وجود دارد و بجز مورد دسترسی به منابع فرهنگی آموزشی، در سایر موارد مهاجران عراقی نسبت به افغان‌ها وضعیت مطلوب‌تری دارند. عراقی‌ها به واسطه‌ی سکونت و زندگی جزیره‌ای در محله‌ی محروم از خدمات فرهنگی، محله‌ی دارک، دسترسی کمتری به منابع فرهنگی دارند و گرنه میانگین تحصیلات آنها بیشتر از افغان‌هاست. در تحلیل تفاوت میانگین رتبه‌ی دسترسی مهاجران خارجی، داخلی و بومی‌ها به منابع اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و سیاسی و برابری اجتماعی دیده

شد تفاوت‌های موجود به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵. معنادار است و می‌توان گفت مهاجران خارجی رتبه‌ی دسترسی کمتری به فرصت‌های اجتماعی اقتصادی دارند و تبعیض بیشتری را تجربه می‌کنند.

جدول ۳: مقایسه‌ی طرد و ادغام اجتماعی در میان مهاجران خارجی و بومی‌های شهر اصفهان

گروه	میانگین ادغام اجتماعی کلی <sup>a</sup>	حداقل-حداکثر	انحراف معیار	X <sup>2</sup>	Sig
افغانی	۵۴/۲۲	۴۳-۷۷	۶/۰۱	۱۲۳/۳۵	/۰۰۰
عرب	۶۱/۴۵	۵۲-۹۱	۱۰/۱۲		
اصفهانی	۸۰/۴۲	۴۷-۱۱۷	۱۴/۵۱		
گروه	میانگین ادغام اقتصادی <sup>b</sup>				
افغانی	۱۸/۹۳	۱۰-۲۴	۲/۷۵	۹۴/۴۷	/۰۰۰
عرب	۲۳/۷۴	۱۴-۲۹	۳/۰۷		
اصفهانی	۲۴/۱۵	۱۵-۳۱	۳/۰۳		
گروه	میانگین ادغام مدنی <sup>c</sup>				
افغانی	۰	۰	۰	۱۲۳/۸۷	/۰۰۰
عرب	۳/۴۵	۰-۱۷	۵/۴۲		
اصفهانی	۷/۵۸	۰-۲۳	۴/۵۴		
گروه	میانگین روابط اجتماعی <sup>d</sup>				
افغانی	۵/۲۵	۳-۸	۱/۲۵	۱۶/۴۵	/۰۰۰
عرب	۵/۷۴	۴-۹	۱/۴۳		
اصفهانی	۶/۲۳	۴-۱۱	۱/۵۹		
گروه	میانگین ادغام فرهنگی <sup>e</sup>				
افغانی	۲/۹۲	۰-۱۲	۲/۲۸	۹۲/۹۰	/۰۰۰
عرب	۵/۳۲	۲-۱۰	۲/۳۷		
اصفهانی	۱۰/۹۴	۰-۲۲	۵/۷۳		
گروه	میانگین آسیب‌های اجتماعی <sup>f</sup>				
افغانی	۸/۷۳	۶-۱۲	۱/۵۱	۸/۹۰	/۰۱۲

Sig	X <sup>2</sup>	انحراف معیار	حداقل-حداکثر	میانگین ادغام اجتماعی کلی <sup>a</sup>	گروه
		۱/۰۲	۶-۱۰	۷/۸۷	عرب
		۲/۱۵	۳-۱۴	۷/۸۶	اصفهانی
				میانگین همکاری و امنیت محله <sup>g</sup>	گروه
.۰۰۰	۱۶/۶۲	۲/۴۴	۷-۱۶	۱۲/۹۵	افغانی
		۲/۶	۷-۱۶	۱۱/۲۲	عرب
		۴/۱۱	۳-۲۱	۱۳/۲۵	اصفهانی
				میانگین ادغام در خدمات اجتماعی <sup>h</sup>	گروه
.۰۰۰	۸۸/۸۹	۲/۶۵	۲-۱۸	۵/۴۲	افغانی
		۲/۶۱	۱-۱۱	۴/۰۹	عرب
		۳/۹۱	۲-۱۸	۱۰/۱	اصفهانی

a- ادغام اقتصادی، مدنی، روابط اجتماعی، فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی، همکاری در امور محله و امنیت محله، خدمات اجتماعی

b- دریافت خدمات تسهیلات بانکی، تسهیلات خوداشتغالی، شغل، درآمد و کیفیت منزل

c- مشارکت در NGO های مذهبی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خیریه های عام یا خاص مهاجران، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و شوراهای اقلیت‌ها

d- ارتباط در شبکه‌های مجازی، ارتباط با شاغلین سیستم اداری و ارگانهای دولتی و شاغلان بازاری و آزاد

e- استفاده از کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، روزنامه‌فروشی‌ها، کافی‌نت‌های محله و اینترنت پرسرعت در منزل

f- بیماری جسمی، اختلال روانی، استعمال سیگار یا قلیان، استعمال سایر مواد مخدر، طلاق (آسیب‌های دیگر از جمله استعمال مشروبات الکلی، معلولیت، بیماری‌های روانی، خودکشی، فرار از منزل و بارداری زیر ۱۸ سال مورد سؤال قرار گرفت. به دلیل عدم هرگونه گزارشی در

مورد خودکشی و فرار و موارد کم استعمال مشروبات الکلی، معلولیت و بیماری‌های روانی از گزارش نمودن آنها اجتناب شد. بارداری زیر ۱۸ سال نیز به جز در گروه افغانی به ندرت گزارش شد).

g- همکاری در امور نظافتی محله و کوچه و امنیت اخلاقی، منازل، امنیت جانی و خرید و فروش مواد مخدر

h- وسایط حمل و نقل عمومی، خدمات درمانی، پارک و فضای سبز، مجموعه‌ی وسایل حرکتی ورزشی، مجموعه اسباب‌بازی کودکان و امکانات ورزشی و پیاده‌روی

همچنان‌که در جدول شماره‌ی ۲-پیداست بجز مورد آسیب‌های اجتماعی در همه‌ی ابعاد طرد اجتماعی تفاوت بارزی بین رتبه‌ی گروه‌های مهاجر خارجی و بومی‌ها وجود دارد که در سطح ۰.۰۵٪ معنادار است. آنگونه که مشاهده می‌شود، بومی‌ها و عراقی‌ها نسبت به افغان‌ها به ترتیب ادغام بیشتری در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، مدنی، روابط اجتماعی و خدمات اجتماعی دارند و افغان‌ها طرد قابل ملاحظه‌ای را بویژه در بعد مدنی (میانگین ادغام مدنی‌شان صفر است) تجربه می‌کنند؛ زیرا افغان‌ها همگی از حق رأی و مشارکت سیاسی محرومند ولی برخی عراقی‌ها، تابعیت سیاسی ایرانی دارند و این امر میانگین ادغام مدنی این گروه را بالا می‌برد. افغان‌ها بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی‌اند و در مقایسه با عراقی‌ها، همکاری بیشتری در امور محله داشته و محله‌های امن‌تری دارند. همکاری در امور و امنیت محله، در دو بعد همکاری در امور و امنیت محله سنجش شده که در مورد امنیت محله بین رتبه‌ی گروه‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد و محله‌های بومی‌نشین، بیشترین امنیت را دارند. در مقایسه‌ی امور محله‌ها، تفاوت آماری معناداری در بین گروه‌های قومی وجود ندارد زیرا نخست اینکه گروه‌ها لزوماً در یک محله‌ی خاص سکونت ندارند دوم اینکه همکاری در امور نظافتی محله، تحت تأثیر ساختار محله است. در محله‌های آپارتمانی یا مرفه مسکونی ساکنان همه مسؤولیتهای نظافتی محله را به شهرداری واگذار کرده‌اند در مقابل در محله‌های محروم ساکنان نظافت محله را خود به عهده می‌گیرند و مسأله‌ی نظافت، گاه به اختلاف و گاه همنشینی و دوستی منجر می‌گردد و سوم: امنیت محله برعکس نظافت، تحت تأثیر ساکنان محله است به

طور نمونه افغان‌ها بر خلاف آنکه در تصور عامه‌ی شهروندان اصفهانی، غیر قابل اعتماد می‌نمایند، مردمانی بسیار آرام هستند؛ (یا به دلیل ترس از ورود غیر قانونی یا تهدید از سوی غیر افغانها) هیچ‌گاه در محله آشوب به پا نمی‌کنند، مزاحمت اخلاقی برای ساکنان ایجاد نمی‌کنند، از منازل و اتومبیل محله سرقت نمی‌کنند، در کار فروش مواد مخدر و نظافت محله نقش فعالی ندارند و در کوچه‌های محله حضور چندانی ندارند؛ ترجیح می‌دهند بچه‌هایشان در خانه یا پارکهای اسباب‌بازی، بازی کنند تا در محله. در بررسی رابطه‌ی ادغام اجتماعی و محله دیده شد بین برخورداری و ادغام اجتماعی رابطه وجود دارد (۴۱۶/  $\eta$ )، یعنی با افزایش امکانات و خدمات شهری ادغام اجتماعی افزایش می‌یابد. با این حال میانگین ادغام ساکنان محله‌های محروم (محله‌های با تراکم بالای مهاجر نظیر بهرام آباد و مارچین) کمتر از محله‌های محرومتر (نظیر حصه) است. به عبارتی مهاجران ساکن مناطق محروم، طرد اجتماعی را در تقاطع با طرد فیزیکی تجربه می‌کنند.

در مبحث آسیب‌های اجتماعی، نتایج نشان می‌دهد، دامنه‌ی آسیب، تخلف و جرم مهاجران خارجی مقیم اصفهان، تقریباً به گستردگی تخلف و جرم شهروندان ایرانی است. استعمال سیگار و قلیان، طلاق، خیلی پذیرفته‌تر از سایر موارد چون استعمال مواد مخدر و اختلالات روانی است و در اغلب مواقع بی‌پرده بیان می‌شود. نکته‌ی قابل تأمل، حضور مهاجران در جرایم سازمان یافته (قاچاق سوخت و مواد مخدر و حتی جعل مدارک) و غیرسازمان یافته است. جرایم غیرسازمان یافته و سایر تخلف‌ها خطر جدی برای امنیت سیاسی و اجتماعی کشور محسوب نمی‌شوند و قابل کنترل هستند اما جرایم سازمان یافته را باید جدی گرفت بویژه که فراوانی بالایی دارند.



جدول ۴: پرونده‌ها و جرایم اتباع بیگانه در شهر اصفهان

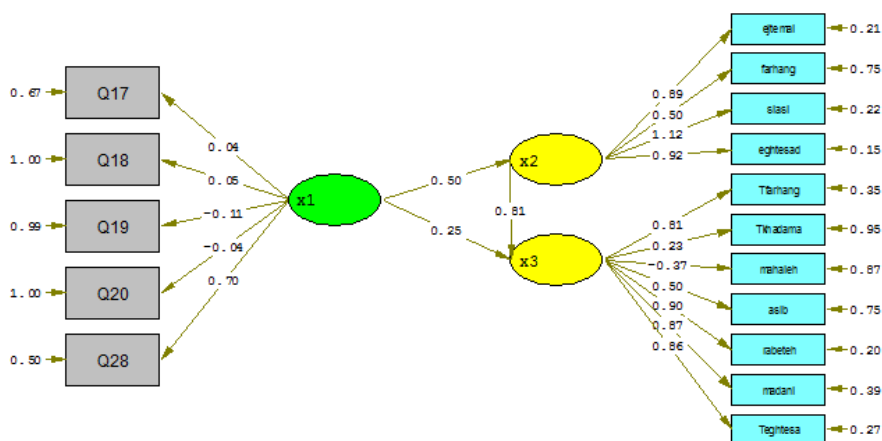
جرایم زندانیان اتباع خارجی در زندان مرکزی استان اصفهان		پرونده تخلفات اتباع خارجی	
تعداد زندانی	جرم	تعداد	تخلف
۱۴۶	حمل و فروش مواد مخدر	۹۴	عدم رعایت شئونات اخلاقی
۱۴۵	حمل و فروش انواع سوخت	۵۱	تهیه و توزیع مواد مخدر
۱۰۲	اقامت غیر مجاز	۴۸	اعتیاد
۳۵	روابط نامشروع	۳۲	ولگردی و تکدی‌گری
۲۹	جعل	۱۰	فالگیری و رمالی
۲۳	درگیری و نزاع	۴۸	ایجاد مزاحمت برای اهالی محل
۱۰	تجاوز	۲۰۸	تکرار اشتغال غیر مجاز
۷۲	قتل	۳۵	جعل مدارک
۳	جاسوسی	۲۱۶	سایر موارد
۵۶۵	کل	۷۴۲	کل

در آزمون همبستگی‌ها دیده شد بین منشأ مهاجرتی (بومی/مهاجر) و برابری اجتماعی ( $\eta = .444$ ,  $X^2 = 285/534$ ,  $\text{sig} = .000$ )، منشأ مهاجرتی و دسترسی به منابع ( $\eta = .753$ )، منشأ مهاجرتی و ادغام اجتماعی ( $\eta = .700$ ,  $X^2 = 318/538$ ,  $\text{sig} = .000$ )، و همچنین بین دسترسی به منابع و ادغام اجتماعی ( $\eta = .708$ ,  $X^2 = 213/325$ ,  $\text{sig} = .000$ ) همبستگی‌های قوی مثبتی وجود دارد. برعکس در مورد مدت زمان مهاجرت و برابری اجتماعی ( $r = -.347$ ,  $\text{sig} = .000$ ) و مدت زمان مهاجرت و دسترسی به منابع ( $r = -.686$ ,  $\text{sig} = .000$ ) و مدت زمان مهاجرت و ادغام اجتماعی ( $r = -.517$ ,  $\text{sig} = .000$ ) همبستگی‌های قوی منفی وجود دارد.

در مدل معادله‌ی ساختاری هرچند براساس مقدار شاخص‌های  $\text{RMSEA} = 0/25$  و  $\text{P-Value} = 0/000$  و مقدار برازش کلی مدل، به دلیل وجود متغیر پنهان بیرونی منشأ مهاجرتی ضعیف است، اما دیگر شاخص‌های نکویی برازش از جمله  $\text{GFI} = 0/75$  و

AGFI=۰/۶۰، فیت بودن مدل با داده‌های نظری و جامعه را تأیید می‌کنند. ضرایب بتا نشان دهنده‌ی تأثیر قابل ملاحظه‌ی متغیرهای پنهان بیرونی بر متغیرهای پنهان درونی است. چنانکه در نمودار شماره ۱- مشاهده می‌شود ضریب اثر برابری اجتماعی (برابری افقی) بر دسترسی به امکانات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (برابری عمودی) ۰/۵۰، دسترسی به امکانات بر ادغام اجتماعی ۰/۸۱ و برابری بر ادغام اجتماعی ۰/۲۵ است. برابری اجتماعی به طور مستقیم ۰/۲۵ بر ادغام اجتماعی اثر دارد که به مراتب کمتر از اثر غیرمستقیمی است که از طریق برابری در دسترسی به امکانات اعمال می‌کند. برابری اجتماعی به طور غیر مستقیم ۰/۴۰۵ بر ادغام اجتماعی اثر دارد.

مدل ۲: معادله‌ی ساختاری با مقادیر ضرایب استاندارد (B)



Chi-Square=3897.95, df=248, P-value=0.00000, RMSEA=0.252

### بحث و نتیجه‌گیری

در همه‌ی جوامع همسان و ناهمسان، تک قومیتی و چند قومیتی، طرد و کناره‌گرفتن از جامعه، چه به اختیار و چه از روی اضطرار و اجبار، نه تنها پدیده‌ی مطلوبی نبوده و نیست، بلکه تهدیدی برای جامعه محسوب می‌گردد؛ از این‌رو سیاست‌گذاران در پی راه‌هایی برای ادغام و ادغام هرچه بیشتر افراد و گروه‌های جامعه اعم از شهروند یا اتباع بیگانه هستند تا بلکه به این وسیله از پیامدهای منفی جدایی‌گزینی، حاشیه‌نشینی، انزوا و

بی تفاوتی اعضای جامعه بکاهند؛ این امر بویژه در کشورهای چینی که در همسایگی کشورهای نابسامان و آشوب زده هستند و هر روز پذیرای مهاجران جدیدند، اهمیت و افری دارد. بنا به ضرورت مسأله، به عنوان نمونه وضعیت طرد و نقطه‌ی مقابل آن یعنی ادغام اجتماعی مهاجران خارجی (افغانی و عراقی) ساکن کلانشهر اصفهان مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج حاکی از طرد خیلی شدید مهاجران بویژه افغان‌ها، در ابعاد اقتصادی، مدنی، سیاسی، فرهنگی آموزشی، روابط اجتماعی و خدمات اجتماعی، نسبت به ساکنان بومی شهر اصفهان است که با نتایج مطالعات فیروزآبادی و غفاری همخوانی دارد. در مورد آسیب‌های اجتماعی و همکاری در امور محله و امنیت محله، در بین مهاجران و بومی‌ها تفاوت چندانی مشاهده نمی‌گردد. عدم تفاوت در این موارد جای امیدواری دارد زیرا بیانگر وجود امنیت، عدم شرایط ناهنجاری آسیب‌های اجتماعی در محله‌های مهاجرنشین و ظرفیت ادغام آنهاست. البته نکته‌ی قابل توجه سکونت این گروه‌ها در محله‌های حاشیه‌ای است؛ مناطق حاشیه‌ای به عنوان دارنده‌ی پتانسیل لازم برای طرد و ایجاد بی‌نظمی و آشوب نیازمند نگاه ویژه هستند. کاین و ماریو و کونتین وودن در مطالعاتشان به وجود رابطه بین جدایی‌گزینی، حاشیه‌نشینی و طرد توجه داشتند. در تبیین پدیده‌ی طرد و ادغام مهاجران در مقایسه با بومی‌ها، می‌توان تبعیض اجتماعی و دسترسی مهاجران به منابع اقتصادی، سیاسی، خدمات اجتماعی و فرهنگی آموزشی را عامل مؤثر بر طرد و ادغام مهاجران خارجی دانست به طوری که این گروه تبعیض‌های اجتماعی قضایی را تجربه می‌کنند، دسترسی کمتری به منابع اقتصادی، سیاسی، خدمات اجتماعی و فرهنگی آموزشی دارند و هویت مهاجر بودن، علت اساسی تبعیض، محرومیت و شکل‌گیری فرایند طرد اجتماعی آنهاست. در واقع نتایج حاصل شده تأییدی است بر تحقیقات صورت گرفته در مورد مهاجران مقیم آلمان و نروژ.

در همین راستا، متأسفانه بومی‌گرایی و تعصب قومی در بین همه‌ی اقوام و ساکنان شهرهای ایران پدیده‌ی بارزی است؛ حتی ساکنان دو شهر مجاور، همواره به موازات تعصب قومی و گروهی، اغلب اوقات در تقابل با یکدیگرند. تعصب قومی و بومی‌گرایی

در مورد مهاجران افغان و عراقی که از کشورهای مسلمان و همسایه‌ی ایران هستند، امر چندان مطلوبی نیست. در حقیقت این مهاجران مغلوب فرهنگ بومی‌گرایی حاکم بر اکثر نقاط کشور ایران هستند. آنها از یک طرف مورد تبعیض‌های اجتماعی، تحقیر شخصیتی و فرهنگی افراد و گروه‌های حقیقی و حقوقی قرار می‌گیرند و از طرف دیگر به واسطه‌ی مهاجر بودن از برخی حقوق قانونی و دسترسی به امکاناتی نظیر خدمات اجتماعی، شغل و تسهیلات مالی محروم می‌شوند. باید توجه داشت اثر تبعیض اجتماعی به طور غیر مستقیم بسیار بیشتر از اثر دسترسی به امکانات است. آنگونه‌که نتایج تحقیق حاضر، همچون نتایج کارهای گلد و کلافم نشان می‌دهد، علاوه بر تبعیض‌های اجتماعی، دسترسی کمتر این گروه از مهاجران به منابع، آشکارا زمینه‌ی طرد اجتماعی آنها را رقم می‌زند. به تناسب حمایت مالی و امکان دسترسی بیشتر به منابع، احتمال ادغام اجتماعی گروه‌ها افزایش می‌یابد. به طور نمونه، جمعیت ارمنی ساکن شهر اصفهان با وجود تفاوت مذهبی، در سایه‌ی حمایت‌های اقتصادی و سیاسی شورای خلیفه‌گری ارامنه، اگرچه در جامعه‌ی اصفهانی به طور کامل ادغام نشده‌اند، طرد اجتماعی محسوسی را تجربه نمی‌کنند. با این اوصاف و براساس نتایج مطالعه‌ی صورت گرفته به نظر می‌آید مهاجران مسلمان ساکن در کشور ایران، برای ادغام بیشتر در جامعه‌ی مسلمان ایرانی، نیازمند تغییرنگرش شهروندان و حمایت‌های دولتی بیشتری هستند.

## منابع

- بلالی، اسماعیل. (۱۳۸۹). طرد اجتماعی اقوام در آیینة آمار: بررسی بودجه‌های استانیهای ترک نشین و کردنشین، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، دوره‌ی چهارم، شماره ۲.
- پاپلی یزدی، محمد حسین، رجبی سناجردی حسین. (۱۳۹۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشرنی.
- ریزمن لئونارد، انگویا، ماریانواف. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه‌ی محمدقلی پور، مشهد: نشر آوای کلک.
- زاهدی، محمد جواد. (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال پنجم، ش ۱۸، پاییز ۱۳۸۴.
- کورز، لوئیس و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- غفاری غلامرضا، تاج‌الدین محمدباقر. (۱۳۸۴). شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۱۷.
- غفاری غلامرضا، حبیب پور کتابی کرم. (۱۳۹۳). سیاست اجتماعی، بنیان‌های مفهومی و نظری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی سیداحمد، صادقی علیرضا. (۱۳۹۲). طرد اجتماعی رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- Atkinson, Anthony B. and Hills, John (1998) *Exclusion, employment and opportunity* CASE paper, Centre for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics and Political Science, London, UK
- Bird Kate (2007) *The intergenerational transmission of poverty: An overview*, Overseas Development Institute, London
- Bottero Wendy (2005) *Stratification, Social Division and Inequality*, Routledge, London and New York

- Bradshaw, Jonathan & et al (2004) *The drivers of social exclusion : A review of the literature for the Social Exclusion Unit in the Breaking the Cycle series* , Office of the Deputy Prime Minister, London
- Card , David & Steven Raphael (2013) *Immigration, poverty and socioeconomic inequality*, New York, Russell Sage Foundation
- Chakravarty, Satya, R (2009) *Inequality, Polarization and Poverty Advances in Distributional Analysis*, Economic Studies in Inequality, Social Exclusion and Well-Being Springer Press 2009
- Chitra, B.Budhathoki (2011) *Socioeconomic Inequality and Social Exclusion in Health: A Review* ,Dhaulagiri Journal of Sociology and Anthropology Vol. 5, 2011
- Clapham, David (2007) *Homelessness and Social Exclusion*, Multidisciplinary Handbook of Social Exclusion Research, John Wiley & Sons Inc
- Erikson, R, Goldthorpe, J.H., Jackson, M. Yaish, M., and Cox, D.R. (2005) *On class differentials in educational attainment*. Proceedings of the National Academy of Sciences of America Vol. 102, No. 27, pp 9730-9733
- EUROPEAN COMMISSION (2010) *Why the Socio-Economic Inequality Increase? Fact and Policy Responses in Europ*
- Fangen, Katrine(2010) *Social Exclusion and Inclusion of Young Immigrants, Presentation of an Analytical Framework*, Nordic Journal of Youth Research, 2010 18: 133
- Gacitzia, Mario& Estanislao, Wodon (2001) *Measurement and Meaning, Combining Quantitative and Qualitative Methods for the Analysis of Poverty and Social Exclusion in Latin America*, The World Bank
- Galabuzi, EdvRD.Grace (2005) *Canada's Economic Apartheid, the social exclusion of racialized groups in the new century*, Canadian Scholars 'Press Inc.
- Gordon, David(2007) *History and Development of Social Exclusion and Policy-in*: Gordon, David ,Abrams Dominic , Christian Juli (2007) *Multidisciplinary Handbook of Social Exclusion Research*, John Wiley & Sons Inc
- Grusky , David.B (2008) *Social Stratification ,Class, Race and Gender in Sociological Perspective* ,USA, Westview Press
- Haisken-DeNew ,John P. ,Mathias Sinning(2007) *Social Deprivation and Exclusion of Immigrants in Germany*, IZA Discussion Paper No. 3153
- Huxley, P & et al (2012) *Development of a 'Social Inclusion Index' to capture subjective and objective domains (Phase I) Health Technology Assessment*, NIHR HTA program
- Loury , Glenn. C(2000) *Social Exclusion and Ethnic Groups: The Challenge to Economics* Boston University,(Forthcoming in The Annual

- World Bank Conference on Development Economics)
- Mathieson, Jane, Jennie Popay & et al (2008) *Social Exclusion Meaning, measurement and experience and links to health inequalities*, World Health Organization
  - Millar, Jane(2007) *Social Exclusion and Social Policy Research: Defining Exclusion* –in: Abrams Dominic ,Gordon David(2007)Multidisciplinary Handbook of Social Exclusion Research, John Wiley & Sons Inc
  - Sampson ,R.J , Morenoff , J.D (2006)*Durable Inequality: Spatial Dynamics, Social Processes, and the Persistence of Poverty in Chicago Neighborhoods*-in Crusky, B, David(2008) *Social Stratification ,Class, Race and Gender in Sociological Perspective* ,USA ,Westview Press
  - Social Exclusion Unit (2010). *Tackling Social Exclusion: Taking Stock and Looking to the Future*, Social Exclusion and Ethnic Groups: The Challenge to Economics Social Exclusion Unit (SEU). London.
  - The regional Human Development Report on social inclusion <http://europeandcis.undp.org/poverty/socialinclusion/show/42524883-F203-1EE9-B1013DC9E989F963>
  - Townsend, Peter (1979) *Poverty in United Kingdom: A Survey of Household Resources and Standards of Living*, Penguin Books Ltd, Middlesex, England
  - Weiss, Anja (2005) *The Trans nationalization of Social Inequality: Conceptualizing Social Positions on a World Scale*, Current Sociology, July 2005, Vol. 53(4): 707-728 SAGE Publications
  - Wilson, William, Julius (1978)*The Declining Significance of Race, Blacks and Changing American Institutions*, In- Crusky, B, David(2008) *Social Stratification ,Class, Race and Gender in Sociological Perspective* ,USA ,Westview Press
  - Wolf ,Jennifer, Price (2006)"*Sociological Theories of Poverty in Urban America* " *Understanding Poverty From Multiple Social Science Perspectives*, University of California, Berkeley School of Social Welfare